

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿ ۱ ﴾ الْقَارِعَةُ ﴿ ۲ ﴾ مَا الْقَارِعَةُ ﴿ ۳ ﴾ وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ
 ﴿ ۴ ﴾ يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ ﴿ ۵ ﴾ وَتَكُونُ الْجِبَالُ
 كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ ﴿ ۶ ﴾ فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ﴿ ۷ ﴾ فَهُوَ فِي
 عِشْقَةِ رَاضِيَةٍ ﴿ ۸ ﴾ وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ﴿ ۹ ﴾ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ
 ﴿ ۱۰ ﴾ وَمَا أَذْرَاكَ مَا هِيَ ﴿ ۱۱ ﴾ نَارٌ حَامِيَةٌ

(۱) حادثه کوبنده. (۲) آن حادثه کوبنده چیست؟ (۳) و تو چه دانی آن حادثه کوبنده چیست؟ (۴) روزی که مردم مانند پروانه‌ها پراکنده باشند. (۵) و کوهها مانند پشم رنگارنگ زده شده. (۶) پس هر کس کفه‌های (عمل خیرش در) ترازویش سنگین باشد، (۷) پس او در زندگی رضایت بخشی است. (۸) ولی هر کس کفه‌های (کار خیرش در) ترازویش سبک باشد، (۹) پس در آغوش آتش است. (۱۰) و تو چه دانی آن چیست؟ (۱۱) آتشی سوزان.

نکته‌ها:

- «قارعة» از «قرع» به معنای کوبیدن چیزی بر چیزی است. یکی از نام‌های قیامت، «قارعة» است، زیرا با صیحه‌ی کوبنده آغاز می‌شود و عذاب آن کوبنده است.
- در روایات می‌خوانیم: حضرت علی ع و فرزندان معصومش، میزان و معیار سنجش

اعمال انسان‌ها در قیامت هستند.^(۱)

- شاید دلیل آنکه کلمه «موازن» به صورت جمع آمده، این باشد که کارهای گوناگون انسان با ابزارهای گوناگون سنجیده می‌شود و هر کار، میزان مخصوص به خود را دارد.
- «موازن» جمع «میزان» به معنای وسیله سنجش است و روشن است که اعمال انسان، امری مادی و دارای وزن و جرم نیست که با ترازوهای معمولی سنجیده شود، بلکه هر دسته از اعمال انسان، معیار سنجش مخصوص به خود دارد.
- مادر برای همه فرزندان، مأوی و پناهگاه است، اما در آنجا مادر و پناهگاه گروهی از انسان‌ها دوزخ است.
- «هاویة» از «هوی» به معنای سقوط است و دوزخ، محلّ سقوط گروهی است.
- «حامیة» از «حمی» به معنای شدت حرارت است.
- کوه‌های رنگارنگ در اثر قطعه قطعه شدن و خورد و خاک شدن، مثل پشم زده رنگارنگ می‌شوند. ﴿كَالْعِهْنِ المنفوش﴾ «منفوش» از «نفش» به معنای باز کردن و کشیدن پشم است تا آنجا که اجزای آن از هم بگسلد.^(۲)
- سبک و سنگینی مخصوص مادیات نیست. لذا به سخنان بی‌محتوی می‌گویند: سخن سبک. شاید مراد از ﴿ثقلت موازینہ﴾ و ﴿خفت موازینہ﴾ ارزش و کیفیت عمل باشد و شاید هم مراد، قلت و کثرت آن باشد.
- حضرت علیؑ فرمودند: مراد از سبکی عمل، کم بودن عمل و مراد از سنگینی عمل، زیادی آن است. «قلّة الحساب و کثرة»^(۳)
- شخصی سلمان را تحقیر کرد که تو کیستی و چیستی؟ پاسخ داد: اول من و تو نطفه و آخر من و تو مردار است. این دنیاست، اما در قیامت، «مَن ثقلت موازینہ فهو الکریم و من خفت موازینہ فهو لئیم»^(۴) هر کس میزان او سنگین باشد، تکریم می‌شود و هر کس سبک باشد، تحقیر و ملامت خواهد شد.

۱. بحار الانوار، ج ۷، ص: ۲۵۲.

۲. تفسیر راهنما.

۳. احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۳۶۳. به نقل راهنما.

۴. تفسیر نور الثقلین.

پیام‌ها:

- ۱- قیامت، کوبنده مستکبران و روحیه‌های متکبران است. «القارعة ما القارعة»
- ۲- قیامت فراتر از فکر بشر است. حتی پیامبر بدون بیان الهی از آن خبر ندارد. «و ما ادراك ما القارعة»
- ۳- قیامت روز تحیر و سرگردانی بشر است. «كالفراش الميثوث»
- ۴- بهشت را به بها دهند نه بهانه. «من ثقلت موازينه فهو في عيشة راضية»
- ۵- زندگی سراسر شاد، مخصوص قیامت است. زیرا در دنیا در کنار کامیابی‌ها، دغدغه بیماری، سرقت، حسادت، از دست دادن و گذرا بودن هست. «عيشة راضية»
- ۶- رضایت از زندگی، از نشانه‌های جامعه بهشتی است. «فهو في عيشة راضية»
- ۷- مبنای کیفر و پاداش، عمل است که با ترازوی عدل سنجیده می‌شود. «ثقلت موازينه... خفت موازينه»

«والحمد لله رب العالمين»